



پیش دبستان و دبستان نشاط علم پویا

فهرست
عنوان
مقدمه
الفبای زبان فارسی : حروف صامت - حروف مصوت
جمله
انواع جمله از نظر پیام و محتوا : ساده - پرسشی - امری - عاطفی
ارکان جمله : فعل - فاعل
صرف فعل
زمان فعل : گذشته - حال - آینده
فعل در نوعی تقسیم بندی : لازم - متعدی
مسند
متمم
مفعول
جمله
بخش ترکیب (حالت یا نقش کلمه در جمله)
نهاد
گزاره
اسم
انواع اسم



پیش دبستان و دبستان نشاط علم پویا

روش جمع بستن اسم : فارسی - عربی
موصوف و صفت
مضاف و مضاف الیه
کلمات مترادف
کلمات متضاد
کلمات هم خانواده
کلمات متشابه (هم آوا)
کلمات معادل
اصطلاحات ادبی : نثر - نظم - بیت - مصراع - قافیه - ردیف
انواع شعر از نظر موضوع و شکل : غزل - قصیده - مثنوی - شعر نو
تاریخ ادبیات
منادا
آرایه های ادبی : کنایه - تشبیه - مبالغه - تضاد - جان بخشی به اشیا - ضرب المثل - تناسب معنایی
کلمات مخفف شده
قید و انواع آن
دانش زبانی
حروف پیوند
کلمات ربط (هم - نیز)
کلمه های غیر ساده (پسوند - پیشوند - میانوند)
اسم مرکب



پیش‌دبستانی و دبستان غیر دولتی بهسراجه
نشاط علم پویا

پیش دبستان و دبستان نشاط علم پویا

کاربرد فلان
کاربرد و مفهوم بن و بنت
کلمات چند معنایی
علائم نگارشی
نمونه سوال



پیش دبستان و دبستان نشاط علم پویا

مقدمه :

زبان و ادبیات فارسی در نظام آموزشی کشور جایگاه ویژه ای دارد. زیرا علاوه بر نقش ارتباطی که زبان فارسی بر عهده دارد، باعث تحکیم ارتباط و انسجام اقوام مختلف کشور نیز می‌گردد. و مهمتر از آن، زبان پارسی نگهبان و حافظ میراث گرانبهای فرهنگ ایران زمین می‌باشد، که موجب می‌شود ارزش‌ها و تفکرات والای آن از نسلی به نسل دیگر انتقال یافته و حفظ شود.

زبان فارسی دارای قدمت دوهزار ساله بوده که در طی جنگ‌ها و اشتغال‌گری‌ها دستخوش حوادث مختلف گردیده است، ولی خردمندانی بوده‌اند که با سعی و تلاش خستگی‌ناپذیر آن را در صفحه‌ی سینه و در برگ برگ وجود خود ثبت و به ما سپرده‌اند.

فردوسی می‌فرماید :

بسی رنج بردم در این سال سی عجم زنده کردم بدین پارسی

الفبای زبان فارسی : کوچکترین جزء هر زبانی، الفبای آن است، که زبان فارسی دارای سی و دو حرف می‌باشد.

که عبارتند از : آ - ب - پ - ت - ث - ج - چ - ح - خ - د - ذ - ر - ز - ژ - س - ش - ص - ض - ط - ظ - ع - غ - ف - ق - ک - گ - ل - م - ن - و - ه - ی این حروف به دو گروه صامت (بی صدا) و مصوت (صدادار) تقسیم می‌شوند.

← حروف صامت : ب - پ - ت - ث - ج - چ - ح - خ و ...

← حروف مصوت : آ - او - ا - اُ - اِ - اَ - ای - ی - یِ - یِ - یِ - ای

حروف صامت به کمک مصوت‌ها خوانده می‌شوند. از ترکیب نمودن این دو گروه، کلمه ساخته می‌شود.

منظور از کلمه، کلماتی است که دارای معنا و مفهوم بوده و افکار و نظرات ما را مطرح می‌نمایند.



پیش دبستان و دبستان نشاط علم پویا

❖ مثال : خرد ← فکر و اندیشه ← کوچک

در زبان فارسی هر یک از حروف دارای اسم بوده و هر کدام تلفظ (صدای) خاص خود را دارد.

❖ مثال :

حروف	اسم	تلفظ (صدا)
آ - ا	الف	آ برای تلفظ (الف) لب ها باز شده و صدای آن کشیده می شود.
ل - ل	لام	ل برای تلفظ زبان پشت دندان ها قرار می گیرد.

👉 تمرین ۱ : اسم هر یک از حروف زیر را بنویسید.

آ	ک	ج	ط	د	ق	س	م

👉 تمرین ۲ : با استفاده از حروف (آ ، م ، س ، د ، و ، ح) هر چند کلمه ای که می توانید بسازید و بنویسید.

👉 تمرین ۳ : کلمات زیر را به ترتیب حروف الفبا مرتب کرده و بنویسید.

صخره - کودکان - سنگلاخ - آسمان - فاضل - غوک - پروانه - زنبور



پیش دبستان و دبستان نشاط علم پویا

جمله :

هر گاه تعدادی کلمه در کنار هم قرار گیرند به طوری که معنا و مفهوم مشخصی را برسانند ، جمله ساخته می شود.

❖ مثال : در اوایل بهار درختان پوشش زیبایی از شکوفه بر تن دارند.

❖ مثال : خورشید از مشرق طلوع و در مغرب غروب می نماید.

انواع جمله از نظر پیام و محتوا (خبری ، پرسشی ، امری ، عاطفی) :

الف (جمله ی خبری یا ساده ← جمله ای که خبر یا پیامی را مطرح می نماید. در پایان جمله ی خبری نقطه می گذاریم.

❖ مثال : در هوای گرم تابستان گلهای یاس پژمرده شدند.

ب (جمله ی پرسشی یا سوالی ← جمله ای است که از مخاطب سوال یا پرسشی ، پرسیده می شود و در پایان این جمله علامت ؟ می گذاریم.

❖ مثال : چرا در آزمون علمی شرکت نکردید ؟

❖ مثال : به چه دلیل این رشته ی ورزشی را انتخاب کرده اید ؟

ج (جمله ی امری ← جمله ای است که طی آن به مخاطب فرمان یا دستوری داده می شود. در پایان جمله ی امری نیز نقطه می گذاریم.



پیش دبستان و دبستان نشاط علم پویا

❖ مثال : لطفا ساکت شو.

❖ مثال : بفرما بنشین .

د (جمله ی عاطفی یا تعجبی) ← جمله ای که مفهوم آرزو ، تعجب ، تحسین ، تحقیر و به طور کلی

احساس و عواطف را به دنبال دارد . در پایان جمله ی عاطفی علامت ! می گذاریم.

❖ مثال : چه جهان با شکوهی !

❖ مثال : مرحبا به شما !

❖ مثال : به به چه گل خوش بویی !

تمرین : نوع جمله های زیر را مشخص کنید و علائم نگارشی مناسب را بنویسید.

- آیا صدای آفریده های ساکت خدا را می شنوی

- به هر طرف نگاه کن

- عالم تماشاخانه ی شگفتی های آفرینش است

- چه آسمان زیبایی

ارکان جمله (فعل ، فاعل) :

الف (فعل) ← کلمه ای است که انجام گرفتن کاری یا روی دادن حالتی را در یکی از زمان های گذشته

، حال یا آینده نشان می دهد. مفهوم جمله با فعل کامل می شود و نبود فعل جمله را ناقص می سازد معمولا

فعل در پایان جمله می آید .



پیش دبستان و دبستان نشاط علم پویا

کلماتی مانند: رفت، خورد، دیدیم، رفته بودند، خواهند آمد، است و همگی فعل هستند.

❖ توجه: برای تشخیص تعداد جملات در یک شعر یا متن، باید تعداد افعال را پیدا کنیم و با شمارش آنها به

تعداد جمله ها پی ببریم.

❖ مثال: میازار موری که دانه کش است که جان دارد و جان شیرین خوش است

۴ جمله دارد.

(ب) فاعل ← فاعل یا کننده ی کار واژه ای است که انجام دادن کاری را به آن نسبت می دهیم. معمولا

فاعل در ابتدای جمله می آید. گاهی فاعل از جمله حذف می شود.

❖ مثال: مژده کتابها را در قفسه چیده است.

عمل چیدن کتابها توسط مژده انجام گرفته، پس مژده فاعل یا انجام دهنده ی کار است.

❖ مثال: او را در پارک دیدم. من او را در پارک دیدم. کلمه ی من (فاعل) از جمله حذف شده است.

📌 تمرین ۱: تعداد جمله ها را در بیت و متن زیر مشخص کنید.

- توانا بود هر که دانا بود ز دانش دل پیر برنا بود.

- اگر می خواهیم عالم را بهتر بشناسیم، یک راه ساده آن است که پدیده ها را خوب تماشا کنیم، درباره

ی آفرینش هر یک بیندیشیم و آنها را با یکدیگر مقایسه کنیم، مثلا گل را با خار.



پیش دبستان و دبستان نشاط علم پویا

صرف فعل :

هر فعلی شش صورت یا شش صیغه دارد که سه تای آن مفرد و سه تای دیگر جمع می باشد . صورت های مختلف فعل را با توجه به مصدر یا ریشه ی آن می سازیم.

از مصدر رفتن :

مفرد	جمع
رفتم	رفتیم
رفتی	رفتید
رفت	رفتند

❖ توجه : ساختن و بیان شش صورت هر فعلی را صرف کردن فعل گویند.

تمرین ۱ : شش صورت هر یک از افعال زیر را صرف کرده و بنویسید.

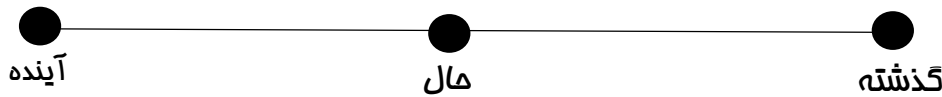
خواندن		گفتن	
مفرد	جمع	مفرد	جمع



پیش دبستان و دبستان نشاط علم پویا

زمان افعال :

❖ هر فعلی سه زمان دارد .



الف (زمان گذشته (ماضی) ← بر انجام کاری در زمان گذشته دلالت می کند ، یعنی کاری یا حادثه ای قبلا انجام شده است.

❖ مثال : گفت ، شنیده ام ، گفته بودم ، می دویدند.

ب) زمان حال (مضارع) ← بر انجام شدن عملی در زمان حال دلالت می کند. حال زمانی است که در آن قرار داریم و بسیار کوتاه است.

❖ مثال : می گویم ، می رویم ، می خندند

ج) آینده (مستقبل) ← بر انجام کاری در زمان آینده دلالت می کند. زمانی که هنوز نیامده و ما برای آن برنامه ریزی می کنیم.

آینده		حال		گذشته	
مفرد	جمع	مفرد	جمع	مفرد	جمع
.....	خواهیم رفت	می رویم	می روم	رفتم
.....	خواهی رفت	رفتید
.....



پیش دبستان و دبستان نشاط علم پویا

❖ مثال : خواهم گفت ، خواهند آمد

❖ تمرین ۱ : کامل کنید.

گذشته		حال		آینده	
مفرد	جمع	مفرد	جمع	مفرد	جمع
رفتم	می روم	می رویم	خواهیم رفت
.....	رفتید	خواهی رفت
.....

❖ نکته : برخی فعل ها مانند «رفت ، دید ، شنید و» که از یک بخش یا یک قسمت ساخته شده اند را فعل

ساده می گویند. و بعضی از فعل ها که از چند بخش یا چند قسمت ساخته شده اند را فعل غیر ساده یا مرکب گویند.

❖ مثال : پراکنده ساخت ← پراکنده + ساخت

❖ مثال : نوشته بودم ← نوشته + بودم

❖ نکته : گاهی جمله یک کلمه است که آن کلمه فعل می باشد .

❖ مثال : خوابید ، رفتند ، خورد

❖ نکته : اگر فاعل جمله جمع باشد ، فعل نیز جمع خواهد بود.

❖ مثال :

} کودکان در حیاط مدرسه بازی می کردند.
 } کودک در حیاط بازی می کرد
 } تماشاگران یک صدا فریاد زدند.
 } تماشاگر فریاد زد.



پیش دبستان و دبستان نشاط علم پویا

فعل در نوعی از تقسیم بندی به دو دسته تقسیم می شود :

۱- فعل لازم (نا گذر)
۲- فعل متعدی (گذرا)

فعل لازم : به فعلی گفته می شود که معنی آن با فاعل کامل شود و احتیاج به مفعول ندارد.
فعل لازم

❖ مثال : حسین نشست.
فعل لازم

❖ مثال : شاگردان کلاس پنجم آمدند.

فعل متعدی : به فعلی گفته می شود که معنی آن با فاعل کامل نمی شود و احتیاج به مفعول دارد.
مفعول
فعل متعدی

❖ مثال : علی دوستش را دید .

❖ مثال : عرشیا صندلی را آورد.
مفعول
فعل متعدی

مسند :

صفت یا حالتی است که آن را به نهاد (مسند الیه) نسبت می دهیم .
مسند

❖ مثال : بهار زیبا است .

❖ مثال : سپاهیان تشنه بودند.
مسند

❖ نکته : مسند ، در جمله ی اسنادی وجود دارد . یعنی جمله هایی که با فعل های ربطی
«است، شد، بود، گشت، گردید» همراه باشد.

در جمله ی اسنادی نهاد ، انجام دهنده ی کاری نیست بلکه نسبت دهنده ی حالتی است.



پیش دبستان و دبستان نشاط علم پویا

متمم :

گاهی باید به یک جمله ی سه جزئی یا سه قسمتی ، بخش دیگری اضافه شود تا معنی و مفهوم بیشتری از جمله دریابیم و جمله کامل تر گردد.

❖ مثال : مینا کتاب را گذاشت. ← می پرسم : کجا گذاشت ؟

مینا کتاب را در قفسه گذاشت.

کلمه های « روی ، از ، در » حرف اضافه نام دارند و به کلمه یا کلمه هایی که پس از حرف اضافه می آیند ،

متمم می گویند.

ضمیر :

کلماتی است که در جمله جانشین اسم می شود و از تکرار آن جلوگیری می کند. که ممکن است مفرد یا جمع باشد.

ضمایر فاعلی عبارتند از :

مفرد	جمع
من	ما
تو	شما
او	آن ها

★ نکته : گاهی در جمله به جای (تو) از ضمیر (شما) که دوم شخص جمع است استفاده می کنیم که این امر

برای رعایت احترام و ادب است.

❖ مثال :

تو در کدام سازمان مشغول هستی ؟ ← شما در کدام سازمان مشغول هستید ؟



پیش دبستان و دبستان نشاط علم پویا

مفعول :

کلمه ای است که فعل بر آن واقع می شود. یا به عبارت دیگر مفعول کلمه ای است که اثر کار فاعل به آن برسد.

❖ مثال : امیر علی کتاب را خرید.
فاعل مفعول فعل

↓
نشانه ی مفعول

★ نکته : یکی از نشانه های مفعول (را) می باشد.

★ نکته : گاهی اوقات ممکن است نشانه ی (را) در جمله حذف شده باشد و ما باید از معنی جمله مفعول را

مشخص کنیم.

مفعول

❖ مثال : مردی دیدم که در خیابان سرگردان بود. (من مردی را دیدم که در خیابان سرگردان بود.)

مفعول

مفعول

❖ ملخ بوستان خورد و مردم ملخ (ملخ بوستان را خورد و مردم ملخ را خوردند.)

★ نکته : برای تشخیص مفعول ، سوال (چه کسی را) یا (چه چیزی را) طرح می کنیم.

★ مثال : پرهام با خودکار مشق های خود را مرتب و خوش خط نوشت.

مفعول

پرهام چه چیزی را نوشت ؟ مشق های خود را

جمله :

جمله به کلمه یا مجموعه ای از کلمه ها و عبارت ها گفته می شود که پیامی را از گوینده به شنونده یا از

نویسنده به خواننده می رساند.

❖ مثال : تو خدای بی شریکی.



پیش دبستان و دبستان نشاط علم پویا

بخش ترکیب (حالت یا نقش کلمه در جمله):

در زبان فارسی (جمله) به سخنی گفته می شود که از دو بخش (نهاد) و (گزاره) تشکیل می گردد.

پس هر جمله را می توان به دو قسمت نهاد و گزاره تقسیم کرد.

نهاد : کلمه یا گروهی از کلمه ها است که درباره ی آن خبر می دهیم ; یعنی صاحب خبر است.

گزاره : خبری است که درباره ی نهاد داده می شود.

★ نکته : نهاد یا گزاره ، ممکن است یک یا چند کلمه باشد. وقتی نهاد ، بیشتر از یک کلمه باشد ، (گروه

نهادی) نامیده می شود. در این صورت (اسم یا صفت) به نهاد اضافه شده است.
نهاد

❖ مثال : دانش آموز آمد

گروه نهادی

❖ مثال : دانش آموزان کلاس پنجم آمدند.

★ نکته : اگر گزاره ی جمله یک کلمه باشد ، آن کلمه حتما فعل است.

★ نکته : گاهی نهاد جمله حذف می شود و ما از روی فعل می فهمیم (نهاد) چه بوده است.

❖ مثال : زندگی خوب و آرامی داشت.

چه کسی زندگی خوب و آرامی داشته ؟ خبر درباره ی کیست ؟

در جمله مشخص نیست ولی از روی فعل می فهمیم (او) زندگی خوب و آرامی داشت.

★ نکته : در حالت معمولی ، نهاد در ابتدای جمله می آید ولی در برخی جمله ها یا شعر ها ممکن است جای

نهاد ، تغییر کند و در وسط یا آخر بیاید.

❖ مثال : پس از چند روز ، طیب بزرگان شهر را نزد خود فراخواند.
نهاد

طیب ، پس از چند روز بزرگان شهر را نزد خود فراخواند.



پیش دبستان و دبستان نشاط علم پویا

❖ مثال : ز نادان بنالد دل سنگ و کوه
نهاد

دل سنگ و کوه از نادان بنالد.

★ نکته : هنگامی که نهاد کننده ی کار باشد به آن فاعل نیز می گویند.

نهاد

❖ مثال : علی شیشه را شکست.

★ نکته : وقتی که حالت یا صفتی را به نهاد نسبت می دهیم ، نهاد دیگر نمی تواند فاعل باشد. (یعنی انجام

دهنده ی کار نیست.)

نهاد

❖ مثال : هوا سرد است.

★ نکته : هر فاعلی می تواند نهاد باشد ، ولی هر نهادی فاعل نیست.

نهاد (فاعل) گزاره

❖ مثال : آرش کتاب علوم خود را به رامین داد.

★ نکته: هر گزاره می تواند دارای کلمات متعدد با نقش های متفاوت باشد.

مانند : مفعول ، مسند ، مضاف الیه ، فعل و موصوف

👉 تمرین : در جمله های زیر نهاد و گزاره را مشخص نمائید.

← مینا داستان های علمی را دوست دارد.

← مالک اشتر با تمام وجود از مظلوم حمایت می کرد.

← دانش آموزان پایه ی پنجم برای مسابقات ورزشی آماده شده اند.

اسم :

کلمه ای است که با آن موجودات زنده و غیر زنده را از یکدیگر متمایز نموده و آن ها را می شناسیم و تشخیص

می دهیم.

مانند : اسب ، درخت ، صندلی ، سنگ ، پرچم ، سعدی ، کتاب ، گربه و ...



پیش دبستان و دبستان نشاط علم پویا

انواع اسم :

اسم مفرد : اسمی است که بر یک شخص یا یک چیز دلالت می کند.

❖ مثال : خانه ، مرد ، مداد ، اتاق

اسم جمع : اسمی است که بر بیش از یک شخص یا یک چیز دلالت می کند.

❖ مثال : خانه ها ، مردان

اسم جمع : اسمی که نشانه ی جمع ندارد و ظاهرا مفرد است ولی در معنا و مفهوم جمع می باشد.

❖ مثال : گروه ، ملت ، لشکر ، سپاه ، گله ، قوم و

اسم ساده : اسمی که تنها از یک قسمت (یک جزء) ساخته شده باشد.

❖ مثال : کتاب ، میز ، درخت ، کفش

اسم مرکب : اسمی که بیش از یک قسمت داشته باشد و از ترکیب دو یا چند جزء ساخته شده باشد، به طوری

که اگر آن ها را جدا کنیم ، هر جزء معنی جداگانه ای داشته باشد.

❖ مثال : روز+نامه= روزنامه خود+کار= خودکار نو+روز= نوروز تهی+دست= تهی دست

★ نکته : کلمه هایی مانند : درستکار – راستگو – زیبارو و صفت می باشند و نمی توانند اسم مرکب باشند.

اسم عام : اسمی که بر همه چیزهای هم نوع دلالت می کند.

❖ مثال : میز ، اتاق ، کتاب ، سیب ، شهر ، شاعر ، اکبر

اسم خاص : اسمی که بر یک شخص ، حیوان و یا شیء و یا مکانی مشخص دلالت می کند.

❖ مثال : سعدی ، فردوسی ، ذوالفقار ، اصفهان



پیش دبستان و دبستان نشاط علم پویا

اسم معرفه (شناخته شده) : مانند کتاب ، درخت ، کشور

اسم نکره (ناشناس) : مانند کتابی ، درختی ، کشوری

❖ مثال : کتابی خریدم. ← که برای شنونده مشخص نیست چه کتابی خریده ام.

روش های جمع بستن اسم :

علائم جمع در زبان فارسی «ها» و «ان» می باشد.

جمع بستن با «ها» (اسم +ها) مانند : کتاب ها - شهر ها - انسان ها و ...	} علائم جمع فارسی
جمع بستن با «ان» (اسم +ان) مانند پیران - زنان - معلمان - درختان - دانش آموزان و ...	
جمع بستن با «ات» مانند : تغییرات ، جزئیات ، خطرات ، سبزیجات ، کلمات ، سیارات ، اطلاعات ، انتظامات و	} علائم جمع عربی
جمع بستن با «ین» مانند : مهندس + ین = مهندسين ، معلمين ،	

جمع بستن با «ون» مانند : روحانی + ون = روحانیون

★ نکته : برای اضافه کردن (ی) به کلمه هایی که به (ه) ختم می شوند حرف (گ) به صورت میانجی بین

آنها اضافه می شود و (ه) نیز حذف می گردد.

❖ مثال : گوینده + ی = گویندگی تازه + ه = تازگی

★ نکته : کلماتی را که در اصل فارسی هستند نمی توان با «ات» جمع بست.



پیش دبستان و دبستان نشاط علم پویا

❖ مثال :
آزمایش }
آزمایشات (غلط)
آزمایش ها (درست)

★ نکته : اسم هایی که به «ه» ختم می شوند ، هنگام جمع بستن با «ان» و «ه» به «گ» تبدیل می شود.

مانند : واژگان - رفتگان - خستگان

❖ مثال : ستاره ← ستارگان پرنده ← پرندگان

★ نکته : همه ی اسم ها را می توان با «ها» جمع بست. اما تنها اسم جانداران و برخی اسم های دیگر را می

توان با «ان» جمع بست.

مانند : کاغذ ها ، روستاها ، کشورها

مانند : مردان ، دختران ، اسبان

★ نکته : کلماتی مثل « کوه ، ماه ، کلاه » در هنگام جمع ، «ها» می تواند به آخرین حرف بچسبد.

❖ مثال : کوهها - ماهها - کلاهها

ولی در کلماتی مانند خنده ، لاله ، بچه ، کوزه که حرف آخر با صدای کسره - همراه می باشد «ها» به آخرین

حرف نمی چسبد.

❖ مثال : خنده ها - لاله ها - بچه ها - کوزه ها

★ نکته : کلمه هایی که با (آ) یا (و) پایان می پذیرند ، هنگام جمع بستن با (ان) + (ی) میانجی به آنها

اضافه می شود .

مانند : آشنایان ، دانایان ، دانشجویان



پیش دبستان و دبستان نشاط علم پویا

★ نکته : بعضی از کلمات که ریشه ی عربی دارند به شکل دیگری جمع بسته می شوند. یعنی اینگونه کلمات

شکل مفردشان عوض می شود.(به این نوع جمع بستن ، جمع مکسر می گویند.)

❖ مثال :

امر ← امور	وجه ← وجوه	علم ← علوم	حال ← احوال	عمق ← اعماق
نکته ← نکات	مکان ← اماکن	طفل ← اطفال	اثر ← آثار	ادب ← آداب
عقیده ← عقاید	حس ← حواس	عمل ← اعمال	حاکم ← حکام	سانحه ← سوانح
شکل ← اشکال	دین ← ادیان			

بیشتر بدانید (ان) همیشه نشانه ی جمع نیست ، کلمه کاربردهای مختلفی دارد مثل

نشانه ی زمان : بامدادان ، سحرگاهان ، بهاران و

نشانه ی صفت : خزان ، نالان و

نشانه ی مکان : گیلان ، مازندران ، سپاهان و

موصوف و صفت :

موصوف : اسمی است که توسط صفت توصیف می شود.

صفت : کلمه ای است که حالت ، مقدار و یا یکی از ویژگی های اسم را بیان می کند، یا توضیحی درباره ی آن

می دهد.



پیش دبستان و دبستان نشاط علم پویا

موصوف صفت

❖ مثال: دانش آموز دانا

★ نکته: تمام رنگ‌ها صفت هستند.

★ اگر اسم‌ها به «ه» ختم شوند، هنگام ساختن موصوف و صفت به جای کسره از «ی» استفاده می‌کنیم.

اسم موصوف صفت

❖ مثال: کوچه ← کوچه‌ی باریک

★ نکته: اگر اسم به «ا» ختم شود هنگام ساختن موصوف و صفت به جای کسره از «ی» استفاده می‌کنیم.

اسم موصوف صفت

❖ مثال: خدا ← خدای بزرگ

★ نکته: اگر اسم به «و» ختم شود، هنگام ساختن موصوف و صفت به جای کسره از «ی» استفاده می‌کنیم.

اسم موصوف صفت

❖ مثال: آهو ← آهوی قشنگ

★ نکته: دقت داشته باشیم موصوف و صفت از یکدیگر جدا شدنی نیستند.

❖ مثال: مادر مهربان ← مهربانی جدا و مستقل از مادر نیست.

★ نکته: گاهی صفت قبل از اسم می‌آید و با توجه به معنی کلمه متوجه ترکیب وصفی می‌شویم.

❖ مثال: جوانمرد ← مرد جوان

★ نکته: گاهی دو کس یا دو چیز را از نظر دارا بودن یک صفت، با هم مقایسه می‌کنیم. در این صورت، به

صفت، جزء «تر» اضافه می‌شود تا مقایسه به خوبی انجام گیرد.

❖ مثال: این ماشین از آن ماشین سریع‌تر می‌رود.

★ نکته: گاهی مقایسه بین چند چیز یا چند نفر انجام می‌شود در این صورت، از جزء «ترین» استفاده می‌کنیم.

❖ مثال: کوهنورد به بلندترین قله رسید.

❖ مثال: کوهنورد به بلندترین قله رسید.

صفت‌های برتر مانند: نیرومندترین، جالب‌ترین، قوی‌ترین پیش از اسم می‌آیند.



پیش دبستان و دبستان نشاط علم پویا

مضاف و مضاف الیه :

مضاف الیه : به اسم یا چیزی که به دنبال اسم دیگری بیاید تا توضیحی درباره ی آن دهد و یا معنی آن را کامل کند ، مضاف الیه می گویند.

مضاف : به کلمه ی قبل از مضاف الیه ، مضاف می گویند.

مضاف مضاف الیه

❖ مثال : دانش آموز مدرسه

★ نکته : مضاف و مضاف الیه دو اسم می باشند که از هم جدا می شوند.

★ هر گاه اسمی هم صفت و هم مضاف الیه بگیرد ، ابتدا صفت را به دنبال اسم می آوریم ، سپس مضاف الیه را

بعد از آن می نویسیم.
اسم صفت

❖ مثال : برادر شجاع من
مضاف الیه

روش تشخیص موصوف و صفت از مضاف و مضاف الیه :

به آخر کلمه ی دوم «تر» یا «ترین» اضافه می کنیم ، سپس کسره ی بین دو کلمه را حذف کرده و در آخر عبارت فعل «است» اضافه می کنیم. اگر عبارت معنی دهد موصوف و صفت و اگر معنی ندهد، مضاف و مضاف الیه است.

موصوف و صفت

❖ مثال : لباس سبز ← لباس سبزتر است.

مضاف و مضاف الیه

❖ مثال : لباس علی ← لباس علی تر است.



پیش دبستان و دبستان نشاط علم پویا

کلمات مترادف (هم معنی) :

به دو کلمه گفته می شود که در نوشتن مختلف، ولی در معنا و مفهوم یکسان باشند.

❖ مثال : ایستادگی = پایداری

❖ مثال : سهل = آسان

❖ مثال : نهار = روز

🔗 تمرین: مترادف یا هم معنی واژه های زیر را بنویسید.

هجوم =	باد مهرگان =	فضل =
آبله =	کاهلی =	بستان =
عاقبت =	سرزنش =	بحر =

کلمات متضاد (مخالف) :

به دو کلمه که از نظر تلفظ و نگارش با هم تفاوت و از نظر معنا و مفهوم نیز ضد هم بوده و معنای مخالف دارند.

❖ مثال : لطیف ≠ زبر

❖ مثال : سرد ≠ گرم

❖ مثال : شب ≠ روز



پیش دبستان و دبستان نشاط علم پویا

تمرین : متضاد یا مخالف کلمات زیر را بنویسید.

بلند ≠	بالا ≠	شرق ≠
مودب ≠	دور ≠	دولت ≠
مهر ≠	پراکنده ≠	جاهل ≠

کلمات هم خانواده :

به کلماتی گفته می شود که ریشه ی آنها یکی بوده و از نظر معنا با هم مرتبط می باشند. در زبان عربی کلمه هایی که سه حرف اصلی شان با هم مشترک باشند ، هم خانواده به حساب می آیند.

❖ مثال : کشف ، اکتشاف ، مکشوف

❖ مثال : ظالم ، ظلمت ، مظلوم

تمرین : برای هر یک از کلمات زیر حداقل دو هم خانواده بنویس .

علم (..... ، ،)

طِب (..... ، ،)

عمق (..... ، ،)

لطیف (..... ، ،)

عجیب (..... ، ،)

توصیف (..... ، ،)



پیش دبستان و دبستان نشاط علم پویا

کلمات متشابه (هم آوا) :

به دو کلمه که از نظر آهنگ تلفظ یکسان بوده ولی از نظر نگارش و معنا با هم متفاوت می باشند ، کلمات متشابه گفته می شود.

- ❖ مثال : خوار ، خار
دلیل تیغ و خاشاک
- ❖ مثال : خواستن ، خاستن
طلب کردن بلند شدن
- ❖ مثال : خویش ، خیش
خود وسیله ی شخم زدن

تمرین : معنی کلمات متشابه زیر را بنویسید.

} قالب : } غالب :	} اساس : } اثاث :	} حیات : } حیاط :
----------------------------	----------------------------	----------------------------

کلمه های معادل (واژه های معادل) :

کلمه هایی که از زبان بیگانه وارد زبان فارسی شده اند و برای آنها کلمه های جایگزین ساخته اند که به این کلمه ها ، کلمه های معادل می گویند.

هلیکوپتر ← بالگرد

کامپیوتر ← رایانه

مختصر ← کوتاه

ترمینال ← پایانه



اصطلاحات ادبی :

مطالبی که ما در کتاب های مختلف در اختیار داریم ، چشمه ای است سرشار از اندیشه ، افکار ، کلام و تجربیات نسل های گذشته که با عناوین مختلف مانند ، داستان ، قصه ، زندگینامه ، سفرنامه ، حکایت با موضوعات اجتماعی ، فرهنگی ، حماسی ، اخلاقی ، دینی ، مدیحه سرایی و ... به شکل نثر و نظم به ما سپرده شده اند.

نثر : نثر در لغت به معنی پراکندن می باشد. اما در اصطلاح به سخنی که مقید به وزن و قافیه نباشد، نثر می گویند.

نثر ادبی : به نثری می گویند که خیال انگیز باشد. یعنی از تشبیه ، جان بخشی به اشیاء و ... در آن استفاده شود و گاهی هم جای نهاد و فعل تغییر می کند.

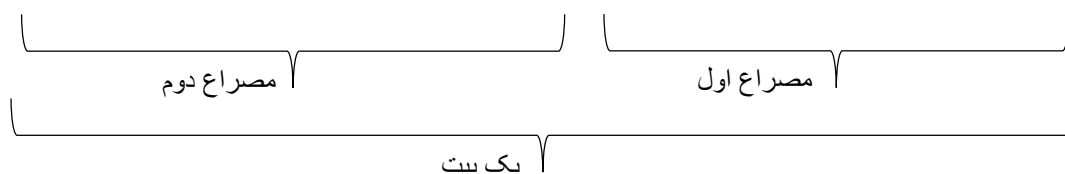
مانند درس ۱۶ کتاب ← وقتی بوعلی کودک بود.

نظم : کلامی یا اندیشه ای است که دارای وزن و آهنگ و قافیه است که به آن شعر گفته می شود.

بیت : هر یک خط شعر را یک بیت می گویند. بیت در لغت به معنی « خانه » است و در اصطلاح ادبی حداقل شعری است که از دو مصراع تشکیل شده است.

مصراع : مصراع (مصراع) در لغت به معنای « لنگه ی در » و در اصطلاح ادبی نیمی از یک بیت می باشد.

❖ مثال : چون گدایی چیز دیگر نیست جز خواهندگی هر که خواهد، گر سلیمانست و گر قارون، گداست





پیش‌دستان و دبستان نشاط علم پویا

قافیه : به کلمات غیر تکراری آخر اشعار که خرب حرف اصلی آن ها یکی باشد، قافیه می گویند.

❖ مثال : چون عضوی به درد آورد روزگار
قافیه

❖ مثال : چون عضوی به درد آورد روزگار
قافیه

ردیف : اگر یک کلمه و یا چند کلمه در آخر مصراع ها و بیتها پس از قافیه عینا تکرار شود و معنای واحدی داشته باشد به آن ردیف می گویند.

❖ مثال : اگر سر به تن به کشتن دهیم
قافیه ردیف

❖ مثال : اگر سر به تن به کشتن دهیم
قافیه ردیف

★ نکته : ردیف همیشه بعد از قافیه می آید که در بیت بالا دو کلمه ی « کشتن و دشمن » قافیه و کلمه ی « دهیم » به عنوان ردیف بعد از قافیه تکرار شده است.

وزن : در هر یک از انواع نظم، نوعی آهنگ خاص به چشم می خورد. این آهنگ که در تمام مصراع ها یکسان است، همان «وزن شعر» می باشد. به طوریکه اگر در هر مصراع، کلمه ای حذف شود و یا جای کلماتی تغییر کند، وزن نخستین، دیگر احساس نخواهد شد.

انواع شعر از نظر موضوع و شکل :

غزل : در لغت به معنی سخن عاشقانه گفتن است. در غزل طرز قرار گرفتن قافیه ها مانند قصیده بوده یعنی قافیه در مصراع اول و تمام مصراع ها زوج می باشد. غزل یکی از انواع شعر فارسی است و شعری

●	●
●	
●	
●	
●	
●	

است که از پنج تا پانزده بیت هم وزن و قافیه تشکیل شده است.

تعدادی از غزل سرایان بزرگ : مولوی، سعدی، حافظ، شهریار، ملک الشعرای بهار



پیش دبستان و دبستان نشاط علم پویا

قصیده : شعری درباره ی ستایش، پند و اندرز، وصف طبیعت، نکوهش، مسایل اجتماعی و اخلاقی می باشد.

■	■
■	
■	
■	
■	
■	

قصیده شعری است در یک وزن و قافیه که مصراع اول و تمام مصراع های زوج قافیه می آید.

رودکی ، ناصرخسرو ، سنایی ، فرخی سیستانی ، ایرج میرزا از قصیده پردازان بزرگ شعر

فارسی می باشند.

رباعی : شعری از چهار مصراع تشکیل شده است که مصراع های اول ، دوم ، چهارم آن هم قیافه هستند.

■	■
■	
■	

از رباعی سرای معروف خیام ، مولوی و عطار نیشابوری

موضوع رباعی : عرفان ، عشق ، فلسفه است

مثنوی : این شعر بیشتر برای بیان داستانها و حکایت ها می باشد. در این اشعار که به صورت مثنوی می باشد ،

●	●
■	■
▲	▲
■	■

در مصراع اول و دوم هر بیت قافیه وجود دارد که مستقل و متفاوت با بیت دیگر است.

شاهنامه ی فردوسی ، بوستان سعدی ، مثنوی معنوی مولوی ، خسرو شیرین نظامی آثار

معروفی هستند که در قالب مثنوی سروده شده اند.

شعر نو (شعر نیمایی) : شعری است که مصراع های آن کوتاه و بلند بوده و قافیه در آن نظم خاصی ندارد. نیما

یوشیج ، اخوان ثالث ، سهراب سپهری ، فریدون مشیری از شاعران این قالب شعری می باشند.



پیش دبستان و دبستان نشاط علم پویا

قطعه : شعری است که مصراع های دوم همه بیت های آن هم قافیه هستند . حداقل بیت های قطعه دو بیت است

اما حداکثر مشخص نشده است.

در قطعه به پند و اندرز و مسائل اخلاقی و اجتماعی پرداخته است.

معروف ترین قطعه سرایان ابن یمین (قرن هشتم) ، انوری (قرن ششم) ، پروین اعتصامی

(معاصر) می باشد.

■	
■	
■	
■	
■	
■	

دو بیتی : دارای محتوای عاشقانه و عارفانه است. از چهار مصراع تشکیل شده است.

در دو بیتی ها مصراع اول و دوم و چهارم هم قافیه هستند.

دو بیتی سرای معروف بابا طاهر عریان

■	■
■	

تاریخ ادبیات :

نظامی : (۶۱۴ ← ۵۳۰ هجری قمری) شاعر مثنوی سرای نامدار ایرانی در شهر گنجه از شهرهای

جمهوری آذربایجان به دنیا آمد. در جوانی به تحصیل ادب و تاریخ پرداخت. داستان پردازی در منظومه های او به

اوج می رسد. آثار نظامی عبارتند از : مخزن الاسرار (با موضوع اخلاق، پند و حکمت)، خسرو و شیرین، لیلی و

مجنون، هفت پیکر، اسکندر نامه و ...

پروین دولت آبادی : (۱۳۸۷ ← ۱۳۰۳ هجری شمسی) از شاعران و بنیانگذاران شورای کتاب کودک بودند. در

اصفهان متولد و در تهران در گذشت. آثار وی عبارتند از : گل بادم ، شوراب ، باز می آید پرستو نغمه خوان و ...

سعدی : شیخ مصلح الدین ، مشرف بن عبدالله ، سعدی شیرازی از بزرگترین نویسندگان و شاعران ایران است. در

قرن هفتم می زیست. جایگاهش نزد ادب تا بدان جاست که به وی لقب استاد سخن و شیخ اجل داده اند.



پیش دبستان و دبستان نشاط علم پویا

منادا :

به کلمه یا اسمی که مورد خطاب قرار می گیرد «منادا» گفته می شود.

به کلمه ای که پیش از منادا (ای،یا) و یا بعد از اسم می آید (ا) نشانه ی ندا می گویند.

❖ مثال : یار شو ; ای مونس غمخوارگان چاره کن ; ای بیچاره ی بیچارگان

در این بیت شاعر خداوند را با دو صفت (مونس غمخوارگان و چاره ی بیچارگان) مورد خطاب قرار داده که

«خدا» منادا می باشد و کلمه ی «ای» که پیش از منادا آمده است « حرف ندا » می باشد.

★ نکته : گاهی « منادا » حذف می شود ولی نشانه ی ندا هست و ما از روی مفهوم جمله به منادا پی می بریم.

پس از منادا		پیش از منادا		مثال
حرفِ ندا	منادا	حرف ندا	ترکیب	
.....	رب	یا	یا رب	یا رب نظر تو بر نگردد
ا	سعدی	سعدیا	سعدیا مرد نکونام نمیرد هرگز
.....	خدا	ای	ای خدا	ای خدا ، ای فضل تو حاجت روا

★ نکته : در شمارش جمله ، منادا یک جمله حساب می شود. (منادا شبه جمله است)

شبه جمله : کلمه یا عبادتی که شبیه به جمله بوده و معنی یک جمله را می دهد. شبه جمله ممکن است بدون

فعل و یا فعل در آن نهفته باشد.

شبه جمله به دو دسته تقسیم می شود :

۱- صوت : آفرین ، خوشا ، به به ، افسوس ، دریغا

۲- منادا : ای خدا ، یا رب ، ای پسر ، سعدیا



پیش دبستان و دبستان نشاط علم پویا

آرایه های ادبی :

بیان سخن به بهترین و موزون ترین شکل را آرایه های ادبی گویند.

بیان سخن به دو گونه ی نظم (دارای وزن و قافیه که به آن شعر گفته می شود) و نثر (سخنی که مقید به وزن و قافیه نباشد) می باشد.

که برای شیوایی و دلنشین شدن کلام ، سخنوران هنرمندی نموده و کلام و نوشته های خود را مزین به : کنایه ، تشبیه ، مبالغه ، تضاد ، جان بخشی ، ضرب المثل و ... می نماید.

کنایه :

یعنی پوشیده سخن گفتن درباره ی موضوعی. وقتی با زبان کنایه حرف می زنیم ، منظور خود را به طور غیر مستقیم بیان می کنیم. البته این باعث می شود ، خواننده تلاش کند تا معنای اصلی سخن ما را دریابد.

❖ مثال : تیرم به سنگ خورد ← به هدفم نرسیدم.

❖ مثال : چاره ی ما ساز که بی یاوریم گر تو برانی ، به که روی آوریم ؟

در این بیت روی آوریم ← کنایه از پناه ببریم

❖ مثال : دسته گل به آب دادن ← کنایه از اشتباه و خراب کاری کردن.

❖ مثال : دندان طمع را کندن ← از چیزی چشم پوشی کردن و به دنبال آن نرفتن

تشبیه :

یعنی چیزی را به چیزی شبیه و مانند کردن. در تشبیه چهار رکن وجود دارد.

• طرف اول تشبیه (مُشبهه) : چیزی یا کسی که به چیزی یا کسی دیگر تشبیه می شود.



پیش‌دبستان و دبستان نشاط علم پویا

- طرف دوم تشبیه (مُشبه به) : چیزی یا کسی که مُشبه به آن تشبیه می‌شود.
- آدات تشبیه : واژه‌ای که نشان دهنده‌ی پیوند شباهت است.
- وجه شبه : ویژگی مشترک میان مشبه و مشبه به
- ★ نکته : مهمترین آدات تشبیه : مانند ، مثل ، چون ، هم چون ، گویی ، بسان و ...
- ❖ مثال : $\begin{matrix} \text{ادات تشبیه} \\ \text{برق چون شمشیر بران} \\ \text{مشبه} \quad \quad \quad \text{تشبیه مشبه به} \end{matrix}$ ← برندگی وجه شبه

مبالغه :

مبالغه یعنی زیاده روی کردن ، در زبان عامیانه خالی بندی کردن و آن سخنی است که شاعر به جهت اثر بیشتر سخن خود ، در شدت و عظمت کلام مبالغه می‌نماید.

- ❖ مثال : « سرو گوش بگرفت و یالش دلیر
شاعر در کندن سر ارژنگ دیو ، مانند شیر مبالغه کرده است.

تضاد :

شاعران و نویسندگان ، گاهی از کلمه‌های متضاد در نوشته‌های خویش استفاده می‌کنند تا مفهومی را برسانند. این کار موجب زیبایی سخن می‌شود و ذهن خواننده به تلاش و تکاپو می‌افتد تا رابطه و معنی بین کلمه‌ها را دریابد و همین کار ، باعث دل چسب شدن نوشته می‌شود. به استفاده از واژه‌های متضاد ، آرایه‌ی « تضاد » می‌گویند.



پیش دبستان و دبستان نشاط علم پویا

❖ مثال : ای همه هستی ز تو پیدا شده
❖ مثال : شب تاریک رفت و آمد روز

خاک ضعیف از تو توانا شده
وه ! چه روزی ! چو بخت من ، پیروز

جان بخشی به اشیا (شخصیت بخشی) :

شاعران و نویسندگان برای خیال انگیز کردن نوشته های خود از شیوه ی جان بخشی به اشیا استفاده می کنند. یعنی حالت ها و رفتارهای خاص انسان را به چیزهای بی جان نسبت می دهند.

❖ مثال : صدای شبینم صبحگاهی را، هنگامی که سر زده به خانه برگ وارد می شود ؟
صدای شبینم سر زده وارد شدن شبینم

❖ مثال : آسمان ، آبی آبی است و یک تکه ابر ساکت در آن شنا می کند.
حرکت ابر

ضرب المثل :

به سخنان معروفی می گویند که می توان از آنها پند و اندرز گرفت و چون ذهن خواننده و شنونده با این گونه جمله ها آشناست ، خیلی زود مقصود و منظور گوینده و نویسنده را درک می کند. بنابراین تاثیر یک مثل که جمله ای کوتاه، شیرین و دل چسب است ، از حرف ها و نوشته های طولانی اثر بخش تر خواهد بود.

مثل یا ضرب المثل ها از نسل به نسل و یا سینه به سینه به ما منتقل شده است.

❖ مثال : عاقبت جوینده یابنده بود.

❖ مثال : مرغ همسایه ، غاز است.

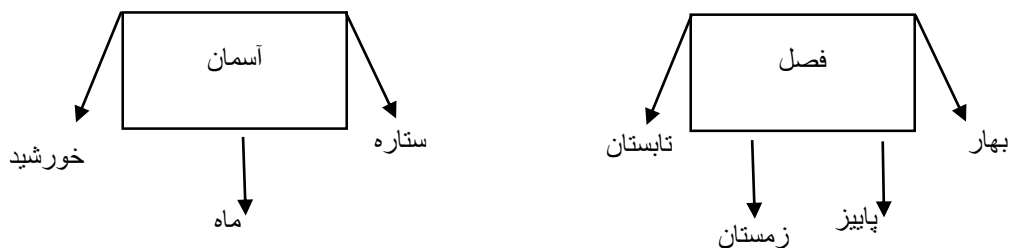


پیش‌دستی و دست‌ان‌غیر دولتی بسترانه

تناسب معنایی یا مراعات نظیر :

گاهی نویسندگان و شاعران ، در نوشته های خود از کلمه هایی استفاده می کنند که به صورت مجموعه هستند ؛ یعنی ، با هم ارتباط دارند و یک واژه ، واژه های دیگر را به ذهن و یاد می آورد.

★ نکته : کلمه های یک مجموعه با مجموعه های دیگر مراعات نظیر نمی شوند.



★ نکته : آرایه ی تناسب معنایی یا مراعات نظیر ، دست کم از دو کلمه به وجود می آید.

★ نکته : گاهی واژه های متضاد با هم مراعات نظیر هم به وجود می آورند.

❖ مثال : شب و روز ، بحر و بر ، گل و خار

ابر و باد و مه و خورشید فلک در کارند تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری

کلمات مخفف شده :

کلمات مخفف شده یا کوتاه شده بیشتر در شعر به کار می روند و استفاده از این کلمات برای زیبایی و روانی شعر می باشد.

❖ مثال : گرت پایداری است در کارها ← اگر که

❖ مثال : پایان شب سیه سپید است ← سیاه

❖ مثال : درخت تو گر بار دانش بگیرد به زیر آوری چرخ نیلوفری را ← اگر

❖ مثال : کز = که از ، کنون = اکنون ، دگر = دیگر ، فتاد = افتاد ، پار = پارسال ، گنه = گناه



پیش دبستان و دبستان نشاط علم پویا

قید :

قید کلمه ای است که حالت یا مکان یا زمان انجام گرفتن فعل را بیان می کند.

قید حالت : حالت و شرایط انجام گرفتن فعل را بیان می کند.

❖ مثال : علی خندان به خانه رفت. (گریان ، دوان دوان ، آهسته و ...)

قید مکان : مکان و جای انجام گرفتن فعل را نشان می دهد.

❖ مثال : امیر حسین به پارک می رود. (آنجا ، بیرون ، جلو ، عقب ، خیابان و...)

قید زمان : زمان انجام گرفتن فعل را بیان می کند.

❖ مثال : فردا به سفر می روم. (دیروز ، امروز ، فوراً ، الان ، شنبه ، ساعت نه و ...)

قید مقدار : مقدار و کمیت را نشان می دهد. (کم ، چقدر ، بیش ، چندین و ...)

قید حالت : خندان ، گریان ، پیاده ، سواره ، دوان دوان ، وحشت زده

قید پرسشی : آیا ، چگونه ، کی ، کجا ، چه ، مگر

قید کیفیت : خوب ، بد و ...

قید افسوس : وای ، عجب ، آه و ...

❖ نکته : مهمترین راه شناخت قید ، برداشتن یا حذف آن از جمله است که با حذف آن ، معنی جمله تغییر نمی کند.

❖ مثال : معلم با روی گشاده پاسخش را داد ← معلم پاسخش را داد.

❖ نکته : گاهی در یک جمله بیش از یک قید آورده می شود و جمله گسترش یافته تر است. با افزودن قید به جمله می توان آن را گسترده تر ، گیرا تر و جالب تر ساخت.



پیش دبستان و دبستان نشاط علم پویا

- ❖ نکته : کلماتی مانند به سختی ، به خوبی ، به آرامی ، با احتیاط ، با عجله قید هستند.
- ❖ نکته : کلمات تنوین دار مانند قطعا ، حتما ، اصلا ، معمولا ، ظاهرا و قید هستند.

دانش زبانی (خوب گوش دادن) :

زبان چهار رکن دارد : گوش دادن ، سخن گفتن ، خواندن و نوشتن .

از راه گوش دادن و خواندن ، منظور دیگران را در می یابیم.

از راه سخن گفتن و نوشتن ، دیگری را از منظور خود آگاه می کنیم.

یکی از راه های درست فهمیدن و درک سخن دیگران ، خوب گوش دادن است.

گوش دادن با شنیدن ، فرق دارد. وقتی در کلاس نشسته اید، صداهایی از بیرون به گوشتان می آید ؛ این «شنیدن»

است ؛ یعنی این صداها را می شنویم. اما از میان همه ی صداها فقط به صدای معلمتان توجه می کنید ؛ این «

گوش دادن» است. یعنی فقط به یک صدا دقت می کنید. خوب گوش دادن، یعنی فرد با میل و اراده ی خودش

به یک صدا دقت می کند و از میان دیگر صداها فقط آن را انتخاب می کند. از آن صدا چیزهایی را درک و یاد

می گیرد و اگر لازم باشد به آن پاسخ می دهد.

خوب گوش دادن، یک مهارت است و به تمرین زیادی نیاز دارد.

ما بخشی از سواد و دانش خود را از راه «خوب گوش دادن» به دست می آوریم

چیزی که نپرسند تو از پیش مگوی

کم گوی و به جز مصلحت خویش مگوی

یعنی که دو بشنو و یکی بیش مگوی

دادند دو گوش و یک زبانت ز آغاز



پیش دبستان و دبستان نشاط علم پویا

حروف پیوند (ربط) :

به کلمه هایی مانند « اما، ولی، چون، زیرا، که، تا، و، سپس، تا وقتی، اگر، اگرچه، و...» که جمله ها را به هم پیوند می دهند، نشانه های ربط یا پیوند می گویند. نام دیگر آن ها، حروف ربط یا کلمه های ربط می باشند.

❖ مثال : شجاع کسی است که از مرگ و خطر عاقبت بد نترسد ولی دست و پای خود را گم نکند.

★ نکته : اگر نشانه های ربط را از بین جمله ها برداریم، پیوند آنها قطع می گردد.

★ نکته : کلمه های ربط می توانند بین دو جمله یا در ابتدای یک جمله قرار گیرند. مهم آن است که پیوند دهنده ی دو جمله باشند.

❖ مثال : باید زودتر بخوابم چون به استراحت نیاز دارم.

چون به استراحت نیاز دارم، باید زودتر بخوابم.

★ نکته : کلمه هایی «چون» و «چو» در صورتی حرف ربط محسوب می شوند که به معنای «برای این که» و «وقتی که» باشند. اگر به معنی «مثل» و «مانند» به کار روند، حرف ربط نیستند، چون تشبیه را بین دو چیز برقرار می کنند.

❖ مثال : چون به خدا اعتماد دارم ، تمام سختی های زندگی را تحمل می کنم. (حرف ربط)

❖ مثال : چون برق شمشیر بران / پاره می کرد ابرها را (کلمه ی تشبیه ، حرف اضافه)

کلمه های ربط «هم» و «نیز» :

کلمه های ربط «هم» و «نیز» معنای دو جمله را به هم ارتباط می دهند و از تکرار برخی کلمه ها جلوگیری می کنند. «هم» به معنی «نیز» برای بیان اشتراک به کار می رود.

❖ مثال : استاد کتاب را باز کرد و شعری حماسی خواند.(جمله ی اول)



پیش دبستان و دبستان نشاط علم پویا

دانشجویان کتاب را باز کردند و شعری حماسی خواندند. (جمله ی دوم)

استاد کتاب را باز کرد و شعری حاسی خواند. دانشجویان هم خواندند.

استاد کتاب را باز کرد و شعری حماسی خواند. دانشجویان نیز خواندند.

کلمه های غیر ساده :

در زبان فارسی ، ما می توانیم به وسیله ی افزودن واژه ها یا بخش های معنی دار یا قسمت های معنی ساز به یک کلمه معنی دار، واژه های جدیدی بسازیم، به این واژه های جدید «غیر ساده» می گویند.
کلمه ی «ساده» به کلمه ای گفته می شود که یک قسمتی باشد و با واژه یا یک بخش دیگر، ترکیب نشده باشد.

❖ مثال : آهن - زر ← کلمات ساده

❖ مثال : آهنگر - زرگر ← کلمات غیر ساده

پسونند :

حروفی هستند که به آخر کلمه ها می پیوندند و در معنی کلمه ها ، تغییراتی را به وجود می آورند که این تغییر با معنی اصلی کلمه تناسب دارد، اما واژه ی جدیدی ساخته می شود.

پسوندهای مشهور زبان فارسی عبارتند از :

- «سار» پسوند مکان است؛ مانند: چشمه سار ← جایی که چشمه فراوان باشد.
- «ناک» به اسم می چسبد و صفت می سازد؛ مانند: غمناک ← همراه و آمیخته با غم
- «گین» مانند: خشمگین
- «نده» مانند: پذیرنده ، شنونده ، گوینده



پیش‌دستی و دستان‌نشاط علم پویا

- «انه» به آخر اسم و صفت می‌چسبد، مانند: عاقلانه ← از روی عقل
- «گر» پسوند شغل است. مانند: آهنگر ← یعنی کسی که با آهن کار می‌کند
- «ا» مانند: درازا ← درازی
- «زار» به اسم می‌پیوندند و مفهوم مکان می‌دهد؛ مانند: گلزار ← جایی که گل روییده است.
- «تر» و «ترین» به آخر صفت می‌چسبند و صفت برتر می‌سازند؛ مانند: دورتر - بزرگترین
- «ی» در آخر اسم می‌آید و صفت نسبی می‌سازد؛ مانند: نوشتنی ← چیزی که ارزش و شایستگی نوشتن دارد.

- «ه» به آخر اسم می‌چسبد؛ مانند: دسته، هفته، گردنه
↓ ↓ ↓
ابزار زمان مکان

- هر گاه به عدد پسوند ^م اضافه کنیم عدد بعد از اسم قرار می‌گیرد. مانند: روز هفتم
- هر گاه به عدد پسوند ^{مین} اضافه کنیم، عدد پیش از اسم قرار می‌گیرد. مانند: هفتمین روز

پیشوند:

در زبان فارسی با اضافه کردن پیشوندهایی مانند: بر، باز، فرا، فرو به فعل ساده می‌توان فعل پیشوندی ساخت.

در چنین صورتی معنای فعل نیز تغییر می‌کند و معنای جدیدی می‌دهد.

❖ مثال: بر + آمد ← برآمد

❖ مثال: فرو + خورد ← فروخورد



پیش دبستان و دبستان نشاط علم پویا

میان وند :

گاهی اوقات با قرار دادن میانوند «تا» بین دو کلمه که می‌توانند مخالف هم نیز باشند ، کلمه ای جدید می‌سازیم که معنای کلی و همگی می‌دهد.

❖ مثال : از اول تا آخر بخوانید ← یعنی همه اش را بخوانید.

❖ مثال : از سیر تا پیاز را تعریف کرد ← یعنی همه اش را تعریف کرد.

مثال های دیگر پیشوند :

بی + سلیقه ← بی سلیقه

با + شعور ← با شعور

مثال های دیگر میانوند :

پرس + و + جو ← پرس و جو

سر + ا + سر ← سراسر

مثال های دیگر پسوند :

گل + ستان ← گلستان

بیمار + ستان ← بیمارستان

زندگی ← زنده + ی
جاودانگی ← جاودانه + ی
حرف «ه» به صدای = تبدیل و حرف «گ» برای راحتی تلفظ به «ی» اضافه و میانجی می‌شود.

اسم مرکب :

اسمی که بیش از یک جزء دارد و تمام اجزای آن دارای معنی است.

❖ مثال : جوان + مرد ← جوانمرد که از دو قسمت « جوان و مرد » تشکیل شده است که هر کدام به

تنهایی معنی کاملی دارد.



پیش دبستان و دبستان نشاط علم پویا

اسم + اسم : مانند : صحراگرد ، دریا زده ، دریادل ، بیدُبن ، خدا دوست.

صفت + اسم : مانند : خوش حال ، پیرزن

★ نکته : یک از راه های ساختن واژه های مرکب با جابجایی مضاف و مضاف الیه یا جابجایی موصوف و صفت به دست می آید.

❖ مثال : بُن + خار ← خارُبُن ← مرد + شیر ← شیرمرد

کاربرد کلمه ی فلان :

وقتی نمی خواهیم در گفتار یا نوشتار ، از کسی یا چیزی نام ببریم ، به جاییش از کلمه ی «فلان» استفاده می کنیم یا برای اشاره به شخص یا هر چیز مبهم و ناشناخته کلمه ی «فلان» را به کار می بریم.

❖ مثال : فلان گیاه چه دردی را درمان می کند ؟

❖ مثال : دیور فلانی چه گفت ؟

کاربرد و مفهوم بن و بنت :

در گذشته ، نام خانوادگی رایج نبود و افراد را با نسبت دادن به پدر و گاه مادر ، نام می بردند. در زبان عربی ، بین نام پسر و پدر یا مادر ، کلمه ی «ابن» یا «بن» به معنای پسر و بین نام دختر و پدر کلمه ی بنت را به کار می برند.

❖ مثال : محمد بن زکریای رازی ← یعنی محمد پسر زکریا

❖ مثال : حسین بن علی (ع) ← یعنی حسین (ع) پسر علی (ع)

❖ مثال : فاطمه (س) بنت محمد (ص) ← یعنی فاطمه (س) دختر محمد (ص)



پیش دبستان و دبستان نشاط علم پویا

کلمات چند معنایی :

در زبان فارسی کلمه هایی وجود دارند که دارای چند معنا هستند. البته معنی و مفهوم این کلمه ها در جمله مشخص می شود.

- ماه مهر : مهر از راه رسید و دانش آموزان را به مدرسه دعوت کرد.
- دوستی و محبت : مهرت از دل کی برون کنم ؟
- خورشید : جز او را مدان کردگار سپهر
- فروزنده ی ماه و ناهید و مهر
- من شیر آب را بستم.
- شیر : در باغ وحش شیر بزرگی را دیدم.
- صبحانه یک لیوان شیر خوردم.

علائم نگارشی :

نشانه گذاری در نگارش ، به کار بردن علامت ها و نشانه هایی است که باعث می شود لحن و آهنگ مناسب را در خواندن رعایت کرده و مفهوم و معنه دقیق جمله ها را دریابیم در نتیجه فهم درست مطالب را آسان مینماید.

نقطه (.) : در پایان جمله های خبری و امری ساده و همچنین در حروفی که به صورت نشانه های اختصاری به کار می آید.

❖ مثال : سعدی ، در سال ۶۰۶ هـ.ق در شیراز به دنیا آمد.



پیش دبستان و دبستان نشاط علم پویا

ویرگول (،): نشانه ی توقف و درنگ کوتاه است و بیشتر در جمله های مرکب و میان دو جمله که با هم ارتباط دارند، به کار برده می شوند و یا اینکه بین دو کلمه که در جمله نقش های یکسانی دارند ، می آید.

- به جای حرف «و» هنگامی که چند کلمه را به هم مرتبط می کنیم.
- پس از منادا

نقطه ویرگول (;): علامت مکثی است بیشتر از ویرگول و کمتر از نقطه.

دو نقطه (:): موارد استفاده آن عبارتند از :

الف (در نقل قول ها ← علی گفت : من فردا به مدرسه نمی آیم.

ب (برای معنی لغات ← ذلت : خواری

ج (بعد از کلمات توضیح دهنده ← مثال : یعنی : مانند :

گیومه «»: اگر بخواهیم در بین نوشته ی خود، سخن شخص دیگری را بازگو کنیم، آن را در گیومه قرار می دهیم و یا اینکه بخواهیم عنوان مقاله ها، نامهای خاص و یا عنوان اشعار را ذکر کنیم، از گیومه استفاده می کنیم.

❖ مثال : جابرین حیان را به خاطر اکتشافات فراوانش « پدر علم شیمی » خوانده اند.

علامت سوال (?): در آخر جملات پرسشی می آید.

نشانه ی تعجب (!): در پایان جمله های عاطفی و بعد از منادا و صوت ها می آید و مفهوم آرزو، تعجب،

تحسین، تحقیر، خشم و ... را همراه دارد.

سه نقطه (...): این نشانه برای کلمه یا عبارت حذف شده و یا به جای مطلبی که می خواهیم از آن صرف نظر

کنیم به کار برده می شود.



پیش دبستان و دبستان نشاط علم پویا

❖ مثال : من و دوستم عبدا... به پارک رفتیم.

پرانتر یا هلال () : از این علامت برای توضیح بیشتر کلمه یا جمله استفاده می شود.

قلاب [] : در نوشتن متن یک نمایشنامه یا فیلم نامه ، مطالبی که جزء اصلی نوشته نمی باشند ، در داخل [] قرار می گیرند.



پیش دبستان و دبستان نشاط علم پویا

نمونه سوالات :

الف - جمله های درست و نادرست را مشخص کنید.

- ۱ - از نشانه ی ! در پایان جمله ی امری استفاده می کنیم.
 درست نادرست
- ۲ - همه ی موجودات عالم ستایشگر خداوند هستند.
 درست نادرست
- ۳ - با اضافه کردن پسوند های « گر » و « گار » به کلمه ها ، واژه های جدید می سازیم.
 درست نادرست
- ۴ - حکایت « بازرگان و پسران » بر گرفته از کتاب « گلستان سعدی » است.
 درست نادرست
- ۵ - بوته ی کدو در مدت بیست روز رشد کرد و به بالاترین نقطه چنار رسید ؟
 درست نادرست
- ۶ - زبان فارسی ، زبان ملی کشور است و همه ی اقوام و مردم میهن را به هم پیوند می دهد.
 درست نادرست
- ۷ - ترکیب های « سردار شجاع و سپاه عظیم » ترکیب اسم و اسم هستند.
 درست نادرست
- ۸ - دانشمندان و شهدای علمی و فناوری هسته ای ، از نام آوران معاصر کشورمان هستند.
 درست نادرست



پیش دبستان و دبستان نشاط علم پویا

ب (فعالیت های زیر را انجام دهید.

۱- در عبارت زیر ، مفعول یا گروه مفعولی را مشخص کنید.

« راهزن سکه ها را برداشت و همه ی آن ها را به جوان بازگرداند.»

۲- در بیت زیر ، فعل ها را مشخص کنید.

« بسی کند و کاوید و کوشش نمود کز آن سنگ خارا ، رهی بر گشود. »

۳- کلمه های «چو» و «چون» در نوشته های زیر به چه معنی است ؟ بنویسید

(چون زمستان گذرد ، عید شود / وقت تابیدن خورشید شود.)

(سالیان دراز رهگذران / آن دو را چون دو دوست می دیدند.)

(چو بد کردی مباش ایمن ز آفات)

۴- مفرد کلمه های زیر را بنویسید.

شرایط : شهداء : آثار :

۵- زمان افعال زیر را بنویسید.

می دید : تشویق می کرد :

مراقب بود : نیفتد :



پیش دبستان و دبستان نشاط علم پویا

ج (جاهای خالی را با نوشتن کلمه های مناسب ، کامل کنید.

- ۱- کتاب مخزن الاسرار از آثار با ارزش ادبی است . (نظامی - سعدی)
- ۲- کلمه های « بحر و بر » با هم هستند . (مترادف - متضاد)
- ۳- یکی از شرط های موفقیت در کارها بهره مندی از است . (دانایی - هوشیاری - قدرت)
- ۴- یکی از راه های درست فهمیدن و درک سخن دیگران است . (خوب سخن گفتن - خوب گوش دادن)
- ۵- به کلمه هایی مانند « من ، تو ، او » که در جمله به جای اسم می آیند می گویند . (ضمیر - صفت)
- ۶- مهر تو چون شد دور از تو نیست ، اندیشه ام . (پیشه ام - ریشه ام)
- ۷- برای مقایسه بین چند چیز ، نشانه ی را به صفت اضافه می کنیم . (تر - ترین)
- ۸- با فضا سازی در سخن و گسترش آن ، نوشته ها را می سازیم . (ساده و خلاصه - گویا تر و گیرا تر)
- ۹- در کلمه ی شبانگاه جزء « گاه » مفهوم دارد . (مکان - زمان)
- ۱۰- به کار رونویسی کردن و بازنویسی کردن یک کتاب ، می گویند . (نسخه برداری - خلاصه نویسی)
- ۱۱- در مصراع « شود سهل پیش تو دشوارها » از آرایه ی استفاده شده است . (تشبیه - تضاد)
- ۱۲- شعر کار و تلاش ، سروده ی است . (پروین اعتصامی - پروین دولت آبادی)



پیش دبستان و دبستان نشاط علم پویا

د) گزینه ی درست را انتخاب نمایید.

۱- اگر خواسته باشیم برای کلمه ی «جهان» صفتی بنویسیم ، کدام کلمه را نمی توان انتخاب کرد ؟

- الف) عظیم ب) شگفت ج) با شکوه د) آفرینش

۲- در کدام گزینه « منادا » وجود ندارد ؟

- الف) ای خدا ، ای فضل تو ، حاجت روا ب) یا رب ما را به خود وامگذار

- ج) بگیر ای جوان ، دست درویش پیرو د) یا راهنما باش یا پیرو

۳- در بیت زیر کدام کلمه ها « قافیه » هستند ؟

فضل خدای را که تواند شمار کرد یا کیست آن که شکر یکی از هزار کرد

- الف) شکر ، شمار ب) شمار ، هزار ج) کرد ، کرد د) شمار کرد ، هزار کرد

۴- کدام جمله « جمع » نیست ؟

- الف) بستان ب) درختان ج) اجزا د) انجم

۵- عبارت زیر از چند جمله تشکیل شده است ؟

« طیب ، نگاهی به او کرد و گفت : بله ، خیلی فرق می کند . فقط این تکه گوشت سالم مانده است.»

- الف) پنج ب) چهار ج) شش د) هفت



پیش دبستان و دبستان نشاط علم پویا

۶ - کدام کلمه با سه کلمه ی دیگر هم خانواده نیست ؟ الف (طب)

ب (طبیب)

ج (طبابت)

د (طلب)

۷ - در گروه کلمه های زیر ، املای چند کلمه نادرست است ؟

محافظت از خود فروق آتش ، ویژگی پسندیده ، زندگی راحت ، رنج بیهوده ، کسب هنر و فضیلت ، مقام بزرگ.

الف (یک)

ب (دو)

ج (سه)

د (چهار)

۸ - کدام ترکیب ، ترکیب اسم و صفت است ؟

الف (اسباب آسایش)

ب (پاداش نیک)

ج (حوادث روزگار)

د (پرده ی خاک)

۹ - در همه ی گزینه ها شاعر به پدیده های غیر انسانی ، جان بخشیده است به جزء

الف (پرسید از آن چنار که « تو چند ساه ای »)

ب (خرد دست گیرد به هر دو سرای)

ج (ز نادان بنالد دل سنگ و کوه)

د (توانا بود ، هر که دانا بود)

۱۰ - در کدام گزینه همه کلمه های نوشته شده ، غیر ساده هستند ؟

الف (صحرا - صیاد - پرنده)

ب (مهربان - همراه - نامرد)

ج (بزرگ - داوری - راحت)

د (مهرگان - کهن سال - خیال)

۱۱ - نشانه ی استقلال یک کشور چیست ؟

الف (پرچم)

ب (زبان)

ج (دین)

د (تاریخ)



پیش دبستان و دبستان نشاط علم پویا

۱۲ - در کدام گزینه تشبیه وجود ندارد؟

- الف (دور از تو اندیشه ی بدان) ب (ایران ای خرم بهشت من)
ج (سنگ کوهک درو گوهر است) د (ای دشمن ، ای تو سنگ خاره ای ، من آهنم)

۱۳ - اگر کلمه های زیر را به ترتیب الفبایی مرتب کنیم ، اولین کلمه کدام است ؟

- الف (وطن) ب (کویر) ج (ساحل) د (سلام)

۱۴ - جمع و مفرد کلمه در گزینه درست نیست ؟

- الف (آیندگان ، آینده) ب (اوضاع ، وضع) ج (مکاتب ، کاتب) د (بیگانگان ، بیگانه)

۱۵ - مترادف کلمه های « سوگوار و گذران » به ترتیب در کدام گزینه آمده است ؟

- الف (ناراحت ، گریان) ب (شگفت زده ، پایدار) ج (گریان ، رهگذر) د (عزادار ، ناپایدار)

۱۶ - کدام کلمه از اجزای بیشتری تشکیل شده است ؟

- الف (دلنشین) ب (پرگار) ج (تحسین آمیز) د (جست و جو گر)

۱۷ - خواجه نصیر الدین توسی اهمیت کدام گزینه را در جامعه از بقیه بیشتر می دانست ؟

- الف (دینار) ب (شمشیر) ج (قلم) د (قدرت)

۱۸ - در کدام گزینه رابطه ی بین واژه ها با بقیه فرق دارد ؟

- الف (تحمل و حامل) ب (رهگذر و عابر) ج (ملایم و سازگار) د (تازیانہ و شلاق)



پیش دبستان و دبستان نشاط علم پویا

۱۹- در کدام گزینه کلمه ی « را » نشانه ی مفعول است ؟

- الف (حکیمی را پرسیدند)
- ب (ملک را گفت)
- ج (ملک را پسندیده آمد)
- د (غلام را به دریا انداختند)

۲۰- در کدام گزینه حرف « ای » نشانه ی ندا (منادا) نیست ؟

- الف (که ای تو که پیش تو جنم ز جای)
- ب (ای همه هستی ز تو پیدا شده)
- ج (چاره کن ! ای چاره ی بیچارگان)
- د (ای نام تو بهترین سر آغاز)

۲۱- منظور از مصراع « نیفتد با کسی ما را سر و کار » چیست ؟

- الف (کسی به ما توجه ندارد)
- ب (ما به کسی نیاز نداریم)
- ج (ما کار کسی را انجام نمی دهیم)
- د (کسی نیست که کار ما را انجام دهد)



معنی لغات دروس فارسی :

درس اول:

واژه های جدید

مشاجره: دعوا - درگیری آزرده: رنجیده - ناراحت آبادی: روستا - ده قدری آنجا بمانند: مدتی در آنجا بمانند

لغزید: سُر خورد برکه: آبیگر حک کرد: تراشید اختلاف: ناسازگاری صخره: سنگ بزرگ و سخت

واژه های جدید

فکرت: فکر، اندیشه، تفکر برافروخت: روشن کرد فضل: احسان، بخشش فیض: بخشش، عطا گلشن: گلستان ز: مخفف «از» جمله: همه، تمام فروغ: نور، روشنایی حق: منظور خداوند خرد: عقل تاب: توان در او: درباره ی او دیده: چشم تجلی: آشکار شدن، پیدا شدن تعالی: بلندمرتبه

کلمات مخالف: پیدا: پنهان کم: بیش

هم خانواده

خلق=خالق مخلوق آفریدگار=آفرید آفریننده روشنایی=روشن روشنی اندیشیدن=اندیشید اندیشه گمراهی=گمراه گمراهان وزید=وزیدن وزش گردون=گرداننده گرد گردان هوشیار=هوشمند باهوش معرفت=معارف عرف

متضاد

هوشیار=بی هوش پرسیدن=نپرسیدن سپاس داری=ناشکری باید=نباید اندیشه کردن=فکر نکردن روشنایی=تاریکی غفلت=باخبری افزایش=کم کردن نادانی=دانایی گمراهی=هدایت شده ناله=آواز شادی



پیش‌دستان و دست‌ان‌ نشاط علم پویا

درس دوم :

خلق : آفریده **درنگ** : تأمل - مکث - صبر - توقف **فهم** : دانستن - آگاه بودن **دریافت** : در اینجا به معنای فهمید

دریافت خود را بازگو نمایید : آنچه را که متوجه شده اید، بیان کنید **دقایقی سپری شد** : مدت زمانی گذشت

پسندیده : نیکو - برگزیده **پای بند باشیم** : وفادار باشیم **دیدگاه** : نظر **خلقت** : آفرینش **پیشه** : کار

لابد : ناچار - ناگزیر **خاطر خواه** : در اینجا دلخواه **خودبینی** : خودپسندی - غرور - عجب **نهراسیم** : نترسیم

جالب : آن چه علاقه ی کسی را به خود جلب می کند ، درخور توجه **عجله** : شتاب کردن در کاری

مشاهده : دیدن ، باچشم دیدن **شگفت زده** : همراه با تعجب **عملکرد** : فعالیت، حاصل و نتیجه ی کاری

موضوع : مطلب، آن چه درباره ی آن گفتگومی شود - **تفکر** : اندیشه، اندیشیدن

پدیده : آن چه وجود دارد، چیز **شبهت** : شبیه بودن، همانند بودن

کشف : آشکارشدن، پی بردن به وجود چیزی **اشیا** : چیزها، شیءها **به راستی** : به درستی

کلمه های مترادف (هم معنی)

به کلمه هایی گفته میشود که معنی و مفهوم یکسانی دارند و میتوانند به جای یکدیگر از هم استفاده کرد.
مانند : (پیمودن = رفتن) (افسوس = حسرت) و....

کلمات متضاد (مخالف)

به کلماتی گفته میشود که از نظر معنی و مفهوم مخالف هم هستند .
مانند : (تاریک و روشن) که مخالف همدیگرند

کلمات متشابه

به کلماتی میگویند که از نظر تلفظ یکسان هستند اما از نظر معنی و شکل املائی باهم فرق دارند .
مانند : خار = تیغ گل یا خاشاک

خوار: کم ارزش و کوچک

کلمات هم خانواده

به کلماتی میگویند که از یک ریشه گرفته شده باشند و حرف های اصلی آن کلمه در کلمه های هم خانواده اش پشت سر هم بیاید. مانند: (تحمل - حمل - حامل) یا (عجله - عجل - تعجیل) و....



پیش‌دبستان و دبستان نشاط علم‌پویا

واژه‌های جدید

تله: دامی که برای جانوران می‌گذارند. **زیرک:** زرنگ **طمع:** حرص - زیاده‌خواهی **خاطر:** یاد - فکر - اندیشه خیال - آنچه از دل گذرد. **آسوده:** راحت **به‌هوای‌اینکه:** به امید اینکه **می‌رمید:** فرار می‌کرد **قسمت:** در اینجا سرنوشت **غفلت:** فراموشی - بی‌خبری - ناآگاهی **اتفاقاً:** از قضا **آشیانه:** لانه **آواز:** بانگ - صوت - آوا **باهوش:** هوشیار - عاقل **غفلت:** بی‌خبری - فراموش کردن **امثال:** جمع مثل - مانند **اثر:** نشانه

درس سوم :

واژه‌های جدید

پیوسته: همیشه **می‌پیمود:** راه را طی می‌کرد **قصد:** تصمیم، منظور، نیت **به‌قصد:** به منظور **دامان:** دامنه **کمند:** طناب، بند، ریسمان **ترک:** جایی در پشت زین اسب **باز:** پرنده‌های شکاری با چنگالهای قوی و منقاری کوتاه و محکم **آزرده‌خاطر:** رنجیده، دل‌تنگ، ناراحت **به یک پرواز:** با یک بار پرواز کردن **رکاب‌دار:** پیاده‌ای که همراه سوار، راه می‌رود. **فرود:** پایین **بیدرنگ:** تند، فوری، بی‌توقف **اتفاقاً:** از قضا، ناگهان **مجال:** فرصت **ملک:** پادشاه **منبع:** سرچشمه **ناخت:** اسب را به حرکت درآورد **مخلوط:** در هم آمیخته، آمیخته شده، درهم شده **در پی:** به دنبال **سراسیمه:** آشفته، با عجله، سرگردان **باد به‌گردِ اون می‌رسید:** به کنایه بسیار تند و سریع حرکت می‌کرد. **عرض:** گفتن، بیان کردن **به عرض رسانید:** به پادشاه گفت **چیره:** پیروز **هلاک کرد:** نابود کرد **آه‌سرد:** آه و ناله‌های از سر ناامیدی و اندوه **مَرکب:** آن چه بر آن سوار شوند **بیجان کردم:** گشتم **مالامال:** پر، لبریز

واژه‌های جدید

لطف: پاکی - زلالی **صواب:** درست - بهتر - شایسته **ارچه:** مخفف اگرچه **زالال:** پاک - صاف **ملال:** رنج - سختی **در:** مروارید **ز:** مخفف از **لاف‌زدن:** دروغ - خودستایی - ادعا کردن - گفتار بیهوده شعر «سخن» گزیده‌ای از مثنوی «لیلی و مجنون» حکیم نظامی است. وی این شعر را با محتوای اندرز، خطاب به فرزندش در سی و شش بیت سروده است. مفهوم کلی این شعر بر «پرهیز از بیهوده‌گویی و دعوت به کم‌گویی، گزیده‌گویی و سنجیده‌گویی» استوار است و با ابیات و مثل‌های گوناگونی قرابت معنایی دارد.



درس چهارم :

واژه های جدید

فراز و فرود : بلندی و پستی **بی گمان** : قطعاً، حتماً **شور** : فریاد، غوغا **پرماجرا** : پُر حادثه **شادابی** : تازه بودن، با طراوت بودن **شاهد** : آنکه هنگام روی دادن امری حضور دارد، گواه **نسل** : نژاد **تاخته اند** : هجوم و حمله آورده اند **آوا** : آواز، بانگ، صوت **سلیقه** : ذوق شخصی در انتخاب کردن چیزی **دلنشین** : پسندیده و خوشایند **چندگانگی** : چند شکل بودن **نغمه** : آواز، سرود، آهنگ **فعلاً** : در حال حاضر، اکنون **اعتبار** : آبرو، ارزش، قدر **شیوه** : روش **عظمت** : بزرگی **پیوسته** : همیشه **مقصود** : هدف، قصد، نیت **شکوه** : عظمت، شوکت، هیبت

هم خانواده

فخر : فاخر متحد : اتحاد ظهور : ظاهر - مظهر تعریف : عرف - معارف - تعاریف
مقصد : قاصد - مقصود - قصد لفظ : الفاظ - تلفظ تغییر : تغییرات - متغیر عظیم : اعظم - معظم

مخالف

اندک # زیاد جاری # ساکن ظاهر # باطن طولانی # کوتاه
پیوسته # گسسته شکست # پیروزی آغاز # پایان فراز # فرود



پیش دبستان و دبستان نشاط علم پویا

درس پنجم :

واژه های جدید

خان : مرحله - منزل، **اهریمن** : شیطان، **شمار** : تعداد، **از بند رهایی دهد** : از زندان و اسارت آزاد کند، **دیوان** : در اینجا جمع دیو ها، **راهی می شود** : به سوی جایی می رود، **قوی پنجه** : توانا - پر زور، **از هم می دزد** : از بین می برد و پاره پاره می کند، **تیمار** : مراقبت - مواظبت، **نخجیر** : شکار، **فرجام** : پایان - سرانجام - عاقبت کار، **دادگر** : عادل، **کوفتن** : کوبیدن، **سَم** : قسمت پایانی پای چارپایان که مانند کفش آن هاست!، **دیده** : چشم، **رستم در خشم می شود** : رستم عصبانی و خشمگین می شود - در خشم شدن کنایه از عصبانی شدن است، **پرخاش** : سخنی که از روی خشم گفته می شود - درشتی، **می نمایاند** : نشان می دهد، **به تنگ می آید** : صبرش تمام می شود - خسته می شود، **از پای در آوردن** : کنایه از کشتن، **خروشید** : در اینجا شیهه کشید - فریاد زد، **جوشید** : عصبانی شد، **برکند** : جدا کرد، **سهمگین** : ترسناک، **تیغ** : شمشیر، **بَر** : تَن - بدن **نیرنگ** : فریب - حيله، **چیرگی** : پیروز شدن، **کمند** : ریسمان محکمی که هنگام جنگ آن را بر گردن و کمر دشمن اندازند و آن ها را اسیر کنند، **خَم کمند** : چین و شکن و دایره ای که در اثر پرتاب کمند ایجاد می شود، **به بند آوردن** : کنایه از اسیر کردن، **میان** : در اینجا کمر، **خنجر** : شمشیر کوچک، **زو** : مخفف از او، **بیم** : ترس، **یال** : موهای بلند پشت گردن اسب، **به کردار** : مانند، **ستایش** : شکر و سپاس، **یزدان** : آفریدگار - خداوند، **دلیر** : شجاع - در اینجا منظور رستم است، **ز بهر** : برای، **نیایش** : دعا - عبادت، **بجست** : جست و جو کرد، **پرستش** : عبادت، **کای** : مخفف که ای، **داور** : قاضی - آن که حکم می کند - در اینجا منظور خداوند است، **دادگر** : برقرار کننده عدالت - عادل، **آذرگشسب** : آتش سریع و سوزان، **گُرد** : پهلوان، **دستگاه** : در اینجا عظمت و قدرت و توانایی، **زابلستان** : نام شهری در سیستان و بلوچستان

درس ششم:

واژه های جدید

مایه: مقدار، اندازه

صادقانه: از روی راستی، به راستی و درستی

جان پناه: پناه جان، محافظ جان، سرپناه، سنگر

جاودانه: همیشگی، پایدار

رویش: رویدن، نمو، رشد کردن

قصه: غم، ماتم، اندوه

غرور: به خود بالیدن، احساس سربلندی نسبت به فرهنگ و توانایی هایی ملت خویش

واژه های جدید

جنس: گونه - نوع - گروه - دسته **برخی**: بعضی



درس هفتم :

واژه های جدید

اطفال : جمع طفل – کودکان

اشرف : شریف تر – گرامی تر

انجب : نجیب تر – پاک تر

ملل : جمع ملت – قوم ها – ملت ها

طفولیت : کودکی

حبّ الوطن : دوست داشتن وطن – وطن دوستی

حبّ : دوست داشتن

یقیناً : قطعاً – مسلماً – مطمئناً

رایگان : مفت – مجانی – بدون هیچ هزینه ای

بیفشانیم : نثار کنیم – فدا کنیم

دبستان : مکتب – محل آموزش کودکان

وطن : میهن – سرزمین

شکر : سپاسگزاری



واژه های جدید

فدا کردن: جان خود را از دست دادن، **جان فشانی:** فداکاری - ایثار، **جوامع بشری:** جامعه انسانی، **ارج می نهد:** ارزش و احترام می گذارد، **دلاور:** شجاع - دلیر، **مرز:** ناحیه، **دلیرانه:** شجاعانه - باشجاعت، **برآمد:** بالا رفت، **چله:** تسمه ای که به کمان می بندند و تیر را به وسیله آن پرتاب می کنند، **بیگانگان:** اجانب - غریبه ها، **نام آوران:** افراد مشهور - نامداران، **بی شمار:** زیاد، **پاسداری:** نگهبانی، **پرورنده:** پرورش داده، **جنگ تحمیلی:** جنگ هشت ساله ای که با تجاوز نیروهای صدام به ایران آغاز شد و به ایران تحمیل شد، **همت:** قصد و اراده، **اوراق فروشی:** مکانی که در آن پاره های اتومبیل یا وسایل دیگر فروخته می شود، **فرسوده:** کهنه شده - پوسیده شده، **کوی:** محله - کوچه، **حاشیه:** اطراف، **بعثی:** نیروهای ارتش عراق در زمان صدام، **محاصره:** در حصار گرفته شده - دور شخصی یا چیزی را گرفتن، **درنگ:** صبر - توقف، **وسعت:** گشاده - فراخی - پهنا، **تلفظ:** بیان کردن، **الکن:** کسی که لکنت زبان دارد و به درستی نمی تواند تلفظ کند - کسی که هنگام حرف زدن زبانش میگیرد، **تلفات:** کشته ها، **محدود:** اندک، کم، **بی شمار:** بی حساب، بی اندازه، **مقدس:** پاک و پاکیزه، **اوراق:** جمع ورق: پاره ها، اجزای چیزی، **خردسال:** کم سن و سال، **گورستان:** قبرستان، **غافلگیر کردن:** بی خبر حمله کردن، **اشغال:** جایی را تصرف کردن، **وحشیانه:** وحشی وار، به صورت وحشی، **دیار:** شهر و سرزمین، **میهن:** وطن، **تن به تن:** نفر به نفر، **خروشان:** پر خروش، **مدافعان:** دفاع کنندگان، **مقابله:** تلافی، مبارزه، **نابرابر:** نامساوی، **ناکام:** محروم، **تردید:** شک، دودلی، **ناگوار:** سخت و ناخوشایند

واژه های جدید

تحقق: برآورده شدن
اقدامات: کارها، جمع اقدام
دژخیمان: جلادان، شکنجه گران (جمع دژخیم)
أسرا: اسیران، جمع اسیر
ساعی: تلاش گر، سعی کننده، کوشا
آسیب: صدمه، زیان
ساعی بود: بسیار سعی می کرد، بسیار تلاش می کرد
تأمین می کرد: فراهم می کرد
شرمگین: خجالت زده
متدین: دین دار

متضاد

اسیر ≠ آزاد أسرا ≠ آزادگان ساعی ≠ تنبل متدین ≠ بی دین



واژه های جدید

هجری : مربوط به هجرت پیغمبر(ص) از مکه به مدینه، **مراجعه کنندگان :** برگشت کنندگان، کسانی که به جایی یا چیزی، برمی گردند، **شمسی :** سالی که بر مبنای گردش زمین به دور خورشید، محاسبه شده باشد، **طرز :** شیوه، روش، **دارو ندار :** دارایی، مال ثروت، **صحيح :** درست، **درگذشت :** فوت کرد، مرد، **دایره المعارف :** کتابی شامل اطلاعاتی درباره ی علم، ادب، هنر و مانند آن ها، دانش نامه، **حجره :** اتاق، خانه، غرفه، **فراگرفتم :** یادگرفتم، **تعلیم :** یاد دادن، **اطلاعات :** خبرها، آگاهی ها، دانستنی ها، **معلومات :** مجموعه دانش ها و آگاهی ها، **متون :** جمع متن، نوشته ها، **تکمیل :** کامل کردن، **معتبر :** با اهمیّت، قابل توجه، **مفصل ترین :** گسترده ترین، مشروح ترین، **اساسی ترین :** مهم ترین، **تحقق :** بررسی کردن، پرسیدن در مورد چیزی، **عظیمی :** بزرگی، **طب :** پزشکی، **نقل :** بازگو کردن، بیان سخن، **از پای در آورده بود :** به کنایه او را تابود کرد، **تأخیر :** عقب انداختن، درنگ کردن، **صمیمی :** هم دل بودن، مهربان بودن، **رحلت :** از این دنیا رفتن، مُردن، **دیوان :** مجموعه ی شعرها ی یک شاعر که در یک کتاب چاپ شده است.، **رحمة الله علیها :** رحمت خداوند بر آن ها باد، **به هر نحو :** به هر شکل، **زهر :** سم، تلخی آزار، **معاصر :** هم دوره ی ما، **هجر :** دوری، جدایی، **سرشار :** پُر، **غریب :** نا آشنا، بیگانه

واژه های جدید

خوشا : خوش به حالشان باشد، **بی :** باشد، **مرحمت :** لطف و مهربانی، **غوطه ور :** شناور، **طلب :** خواستن، خواهش **اجابت :** جواب دادن، پاسخ دادن، **نذر :** شرط و پیمان، آنچه شخص بر خود واجب گرداند که در راه خدا بدهد یا به جا بیاورد، **قامت :** قد و بالا، **رو نماید :** چهره نشان دهد.



پیش دبستان و دبستان نشاط علم پویا

درس دهم :

واژه های جدید

کاروان سرا : محلی برای کاروان یا قافله مسافران که در آن استراحت می کنند

حسابی: به طور کامل **هیجان انگیز**: شورانگیز، همراه با هیجان **بلخ**: از شهرهای خراسان قدیم و الان در افغانستان قرار دارد.

زادگاه: محل تولد، میهن، وطن **دل‌تنگ**: اندوهگین، غمگین **ماشاءالله**: آنچه خدا خواست

اسرارنامه: نام یکی از آثار عطار نیشابوری است **بدرقه**: همراهی کردن، مشایعت

اندک: کم **نسخه**: جلد **سرشناس**: معروف - مشهور

درس یازدهم :

واژه های جدید

حادثه: پیشامد تازه، واقعه، رویداد **چنین**: اینگونه **چون**: همچون، مانند، مثل، همانند

واژه های جدید

استعداد: توانایی، آمادگی، **خدادای**: چیزی که خدا داده، منسوب به بخشش الهی، **کم نظیر**: کم مانند، **خلاق**: سازنده، آفریننده، مبتکر، **سرآمد**: برجسته، ممتاز، برگزیده، نخبه، **پیغمبر**: پیام آور، رسول، فرستاده خدا، **برخیز**: بلند شو، **طب**: پزشکی، **اصرار**: پافشاری کردن، **پاپیچ** شدن، **بالاخره**: سرانجام، عاقبت، **طاقت**: توانایی، قدرت، **پیرو**: طرفدار، دنباله رو، تابع

متضاد

زیبا # زشت داخل # بیرون ، خارج

هم خانواده

حادثه : حوادث شهید : شهدا - شاهد - شهود

معلم : علم - عالم - تعلیم نظر : ناظر - نظاره - نظارت



واژه های جدید

ناگزیر: ناچار، **حکیم**: دانشمند، **به**: بهتر، **مردمی**: انسانیت، انسان بودن، **احسان**: نیکی، **کهن**: قدیمی، **طلب**: درخواست، **همی طلب**: انتخاب کن - بگیر - درخواست کن، **سازگاری**: سازش، **مشفق**: دلسوز - مهربان، **با تو نیم دوست باشند**: با تو کمی دوست باشند، **یکدل**: صمیمی، **مشاورت**: مشورت - همفکری، **قوی رایبی**: هوشمندی، **تمام عقلی**: عاقل بودن - دانایی، **پیش بینی**: آینده نگری، **مَثَل**: مثال، **ولایت**: شهرها، **در میان کارها بوده**: کارهای زیادی انجام داده، **تدبیر**: چاره اندیشی - فکر کردن، **جهان دیده**: باتجربه، **خاطر**: اندیشه، **تیز تر**: قوی تر، **تدبیر ده تنه چون زور ده مرده باشد**: تصمیمی که توسط ده مرد گرفته می شود مانند زور ده نفر قوی و نیرومند است، **فهم**: درک کردن، **متفق**: اتفاق داشتن - هماهنگ بودن، **پیش آید**: اتفاق افتد، **شغل**: کار، **فضیلت**: برتری، **تعالی**: بلند مرتبه، **ضعیف رأیی**: کم عقلی، **وشاورهم فی الامر**: در کارها (با مردم) مشورت کن

هم خانواده ها متن «دوستی»

پرسید: پرسش، پرسان، پرسشگر

کهن: کهنه، کهنسال

نیکویی: نیکو، نیکان

مشفق: شفیق، شفقت

حکیم: حاکم، حکما، حکم، محکوم

احسان: حُسن، تحسین، مُحسن، أَحسن، احسنت، مَحاسن

طلب: طالب، مطلوب

سازگاری: سازش، سازنده، سازمان

متضاد های متن «دوستی»

مرد ≠ زن	زنده ≠ مرده
به ≠ بد	دوست ≠ دشمن
حکیم ≠ نادان	بی دوست ≠ دوستدار
اندیشه ≠ جهل	بهتر ≠ بدتر
طلب ≠ دادن	احسان ≠ خساست
نیکویی ≠ بدی	کهن ≠ نو
مشفق ≠ نامهربان	سازگاری ≠ ناسازگاری
	یکدل ≠ ریاکار



پیش دبستان و دبستان نشاط علم پویا

هم خانواده های متن «مشاوره»

مشاورت: مشاوره، شورا، مشورت	قوی: مَقْوَى، اقویا، قُوا، تقویت
آزمود: آزمایش، آزمودن، آزمایشگاه، آزمون	ولایت: والی، ولی، اولیا، مَتَوَلَّى
تدبیر: تَدَبَّر، مُدَبِّر	معجزه: اعجاز
تعالی: مُتَعَالَى، عالی، مَعَالَى، علی	امر: اوامر، امیر، امارت، امرأ
مهم: مَهْمَات	ضعیف: تَضْعِيف، ضعف
فضیلت: فضل، فضایل، فاضل، أَفْضَل، فُضْلا	

متضاد های متن «مشاورت»

مشورت ≠ خود رایبی	برابر ≠ نا برابر
قوی رایبی ≠ ضعیف رایبی	تدبیر ≠ بی تدبیری
بیشتر ≠ کمتر	دانایان ≠ جاهلان
نیازموده ≠ آزموده، آموزش دیده	پیران ≠ جوانان
آزموده ≠ نا آزموده	جهان دیدگان ≠ بی تجربه ها
سرد ≠ گرم	خاطر تیز تر ≠ جاهل تر، کند فهم
متفق ≠ مخالف	نیکو ≠ نا پسند

درس سیزدهم :

واژه های جدید :

سلطان : پادشاه	باری : خلاصه، به هر حال، در هر صورت، دست کم، حداقل، یک بار
توانگر : ثروتمند	مشقت : سختی - رنج
برهی : رها شوی - آسوده شوی	مذلت : خواری - خفت - پستی
کمر زرین : کمر بند طلائی	به : بهتر
تفته : گداخته - داغ	گران مایه : گران بها
صرف شد : سپری شد	صیف : تابستان
شتا : زمستان	خیره : بی ارزش - بی مقدار - پست
بساز : قناعت کن	



پیش دبستان و دبستان نشاط علم پویا

درس چهاردهم :

واژه های جدید

دل گرفته : کنایه از غمگین، ناراحت

یکی دو پیرهن بیشتر زغنچه پاره کرده است : کنایه از تجربه داشتن

زبان سبز : زبان گویا

واژه های جدید

جوانمردی : بخشندگی - سخاوت

بی انصافی : ناحقی

آبادی : روستای آباد - ده

پسندیده : خوب - نیکو

بزّاز : پارچه فروش

همنوع : هم جنس

تاختن : با سرعت حرکت کردن

درس پانزدهم :

واژه های جدید

جور: ستم، جفا، زار: ناتوان، رنجور، ضعیف، بیخ و بن: ریشه، اصل، تیشه: ابزاری برای کندن، ادبار: بدبختی، نالی

(نالیدن): شکایت کردن، خوار: پست، ذلیل، سربر کشیدن: رشد کردن، قد کشیدن، جرم: گناه، موسوم: فصل،

زمان، بار: ثمر، میوه، شام: شامگاه: شب، هیمه: هیزم، این دکه و بازار: کنایه از این که شرایط فراهم است، این

گوی و این میدان، فلان: کلمه ای برای اشاره به کس یا چیز نامشخص یا ناشناسی، فرجام: سرانجام، عاقبت،

سزاوار: شایسته، درخور، دکه: مغازه، دکان، آوخ: آه، افسوس، دلتنگ: غمگین، افسرده، تنگدل، آتشگر گیتی:

دنیايي که آتش می افروزد، بستاید (ستودن): تعریف کردن، ستایش کردن، خوبی کسی را گفتن

هم خانواده های درس

جرم : مجرم، جریمه، جرایم

حاصل: محصول، محصل، تحصیل، حصول

ادبار: مدبر

جاهل: جهل، جهالت، مجهول



واژه های جدید درس

احوال : جمع حال، وضع ها، سرگذشت ها، **عجایب** : جمع عجیب، شگفتی ها، **گشاده** : باز، مفتوح، جاری، وسیع، **محنت** : رنج، **شدت** : سختی، بدبختی، رنج، **بند** : طناب، ریسمان، **تسلی** : آرامش دادن، کم کردن غم و اندوه کسی، **زوال** : نابودی، رو به نیستی رفتن، **ملک** : پادشاهی، کشور، **سلاطین** : پادشاهان، **عبرت گرفتن** : پند گرفتن، **بی شمار** : بی حساب، بسیار زیاد، **تعالی** : بلند مرتبه، برتر، **رسولان** : جمع رسول، پیامبران، فرستادگان، **ثابت** : پابرجا، استوار، **حکایت** : داستانی قصه، سرگذشت، **نظم** : شعر، کلام موزون و با قافیه، **ادا کردن** : اجرا کردن، بیان کردن، **بر** : نزد، جانب، کنار، **فروماند** : درمانده نشود، ناتوان نشود، **چست** : چابک، تند و تیز، چابک، **خام** : بی تجربه، ناپخته، **لایق** : سزاوار، شایسته، **راغب** : مایل، علاقه مند، **نثر** : نوشته، نوشته ای که شعر نباشد، **وقت وقت** : گه گاه، گاهی وقت ها، **آراسته** : منظم، مزین، **طعام** : غذا، **دیگ** : ظرف بزرگی که در آن غذا می پزند، **اعتدال** : میانه روی، **محال** : نشدنی، غیر ممکن، **گزاف** : دروغ، لاف، **سبک** : پست، خفیف، در این درس خوار و ذلیل، **آداب** : جمع ادب، رسوم، عادات، **شرح** : توضیح دادن، **مستمع** : شنونده، **ملول** : غمگین، آزرده، **فاتحه** : آغاز کار، اول چیزی، گشایش، **تکبیر** : الله اکبر گفتن، بزرگ شمردن

واژه های جدید شعر

گیتی : جهان، دنیا **به** : بهتر **راستی** : حقیقت، درستی، صداقت **پیشه** : کار، حرفه
کژی : دروغ، نادرستی، کجی **بتر** : بدتر **بیچارگی** : ناتوانی، درماندگی **گریست** : گریه کرد
کو : مخفف که + او **گرد** : دور، اطراف **ستم کاره** : ظالم **بی فروغ** : تاریک
اندرون : داخل، درون **کاستی** : کم، کم شدن **خیره** : بی پروا، گستاخ، لجباز
دروغ آزمای : دروغگو، دروغ زن **ناپاک رای** : بداندیش، بدگمان



واژه های جدید

وصیت : سفارشی که شخص پیش از مردن به وصی خود می کند تا بعد از مرگش انجام شود، نصیحت،
آخراالزمان : آن قسمت از زمان که به روز قیامت وصل شود، پایان دنیا، **پیغمبر آخراالزمان** : حضرت محمد
 مصطفی صلی الله، **مصطفی** : برگزیده و پاک، **روزگار یابم** : زنده بمانم، عمر دراز یابم، **بدو گروم** : به او ایمان می
 آورم، تابع او می شوم، **حکما** : جمع حکیم، دانشمندان، **علما** : جمع عالم، دانشمندان، **بهره دادی** : سود می
 رسانی، فایده می رسانی، **دریغ** : افسوس، حسرت، **دریغ داشتن چیزی** : کوتاهی کردن، **نمودی** : نشان دادی،
عزوجل : عز؛ عزیز است - جل؛ بزرگوار است، **یگانگی** : یکتایی، **کردار** : رفتار، **زینهار** : زنگار، آگاه باش، **پارسا** :
 پرهیزگار، پاکدامن، **حرام** : کاری که اسلام از نظر شرعی آن را منع کرده است، **هلاک** : نابود، نیست شدن، **ارچه** :
 مخفف اگر + چه، **گواهی** : شهادت، **خوی** : عادت، خصلت، اخلاق، **عطا** : بخشش، **بند گران** : بند؛ ریسمان، طناب
 - گران؛ سنگین، **بدخو** : بد اخلاق، **اخمو**، **ستوده** : ستایش شده، پسندیده، **زاد** : سن، زمان، عمر، **حرمت** : آبرو،
 احترام

هم خانواده :

کتاب، کاتب، کاتب

عیوب، عیب، معیوب

اطاعت، مطیع

حرام، محروم

وصیت، وصی، وصایا

متضاد :

نخست # پایان

دانا # نادان

حرام # حلال

بهشت # جهنم